



به چه نکاتی توجه کنیم

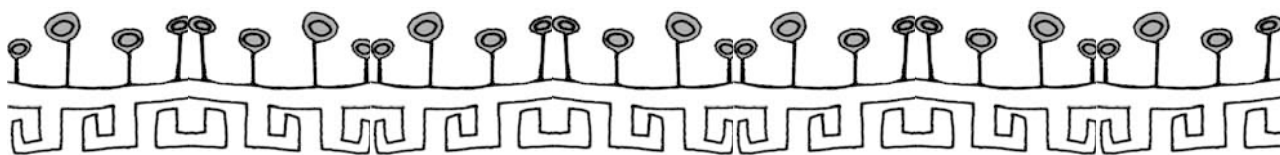
داستانی - تاریخی

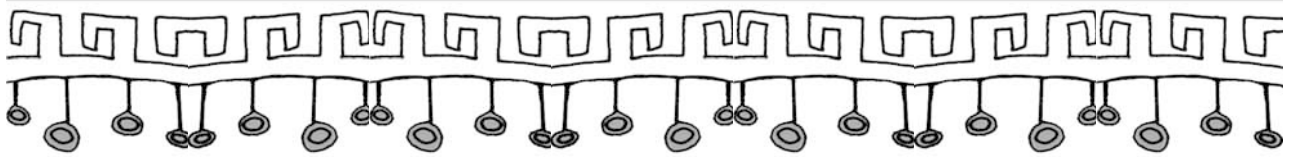
در تدوین و نشر کتاب‌های

جمشید نوروزی

اشاره

نگارنده‌ی این مقاله، تا مقطع فوق لیسانس در رشته‌ی تاریخ تحصیل کرده است. سپس چند سالی، عمده‌ی وقت خود را در سمت کارشناس گروه‌های تاریخ و مطالعات اجتماعی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، به تحقیق، برنامه‌ریزی و تألیف تاریخ برای دانش آموزان دوره‌ی ابتدایی اختصاص داده است. همزمان، چندین سال نیز عهده‌دار تدریس تاریخ در دوره راهنمایی بوده است. به اعتبار این سوابق، نامبرده در دو جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد، به همراه عده‌ای دیگر از معلمان و کارشناسان، عهده‌دار مسؤلیت داوری کتاب‌های حوزه‌ی تاریخ شد و ضمن ایفای مسؤلیت اخیر متوجه شد که اغلب آثار داستانی معرفی شده به جشنواره، از سلسله‌ای نقیصه‌های کم و بیش مشترک رنج می‌برند. موقعی که دریافت‌های ایشان با مطالعه‌ی چند اثر داستانی خارجی کامل تر شد، کوشید آن‌ها را در قالب نوشتار حاضر به اطلاع دست‌اندرکاران کتاب‌های داستانی تاریخ برساند. در پایان مقاله هم، به منظور آشنایی بیش‌تر با چگونگی کتاب‌های داستانی منتشر شده در خارج از کشور، به بررسی یک نمونه کتاب داستان تاریخی خارجی پرداخته است. خوشحال خواهیم شد که مطالعه کنندگان این مقاله، با ارسال نظرات تکمیلی و پیشنهادات خود، به غنای حوزه‌ی نظری موضوع مورد بحث مقاله مدد رسانند.





■ مقدمه

کشورهای پیشرفته‌ی جهان، در تدوین و انتشار کتاب‌های داستانی پیشرفت‌های شایانی داشته‌اند. این موفقیت آنان، به وسیله‌ی برنامه‌ریزی دقیق و همکاری متخصصان موضوعی و تعلیم و تربیت با ناشران عملی شده است. به عنوان نمونه، در انگلستان، در کنار تلاش برای آموزش جذاب تاریخ در مدرسه‌ها، برای برانگیختن توجه و علاقه‌ی دانش‌آموزان دوره‌های پیش‌دبستان و ابتدایی به تاریخ انگلستان، مجموعه‌های داستانی متناسب و جذابی تدوین و منتشر شده است. موضوعات این کتاب‌ها، حادثه‌های مهم تاریخ انگلستان و زندگی شخصیت‌های مشهور این کشور است. در ایران نیز مؤسسات و سازمان‌های دولتی، و همچنین مراکز فرهنگی و ناشران خصوصی، تعدادی کتاب داستانی-تاریخی منتشر کرده‌اند. وجود شمار قابل توجهی از این آثار در بازار فعلی کتاب ایران، بیانگر گرایش و علاقه‌ی در خور توجه نسل نوجوان و جوان کشور به مطالعه‌ی آن‌هاست. اگرچه اقدامات و فعالیت‌های انجام شده، مفید و ارزنده هستند، ولی با مطالعه و مقایسه‌ی تطبیقی آثار منتشر شده‌ی داخلی و خارجی معلوم می‌شود که متولیان و دست‌اندرکاران ایرانی نشر آثار داستانی-تاریخی، تا رسیدن به قله‌ی کمال فاصله‌ی بسیار دارند. تعیین گام‌های بایسته و شایسته برای ارتقای موقعیت و جایگاه کنونی این امر، از طریق تبیین اشکالات آثار موجود ممکن می‌شود.^۱

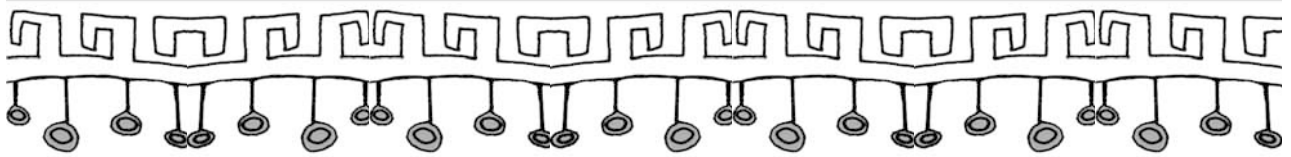
■ نقص‌ها و اشکالات آثار داستانی-تاریخی

الف) تهیه‌کنندگان و ناشران آثار داستانی-تاریخی، از طریق برنامه‌ای جامع و علمی به این عرصه وارد نشده‌اند، در حالی که

مؤسسات و مراکز فرهنگی وابسته به حکومت، برای نیل به هدف‌های سیاسی و فرهنگی مورد نظر خود، به انتشار این آثار اقدام می‌کنند. اغلب ناشران خصوصی، برای کسب منافع اقتصادی به این کار می‌پردازند، از این رو لازم است، متولیان و سیاستگذاران امور فرهنگی کشور، با کارشناسی دقیق و برنامه‌ریزی علمی موضوع، و نظارت بر منابع انسانی و مادی مصروف در این زمینه، بستر و اسباب هدایت و رشد مقتضی این کار را مهیا سازند. **ب) اکثر کتاب‌های موجود، بدون توجه به اقتضائات روان‌شناختی و علاقه‌ی مخاطبان تدوین شده‌اند و غالباً محتوای این آثار، از دیدگاه افراد بالغ و بزرگسال نگاشته شده‌اند. به همین خاطر در میان کتاب‌های فراوان برای مخاطبان نوجوان و جوان، بیش‌تر کتاب‌ها متناسب با علاقه‌های دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی و دبیرستان هستند و تعداد کتاب‌های داستانی-تاریخی متناسب با مقاطع پیش‌دبستانی و ابتدایی، بسیار ناچیز است. در صورتی که علاقه‌ی کودکان دوره‌های اخیرالذکر به داستان، بیش‌تر از کودکان سنین بالاتر است.**

پیچیدگی نثر و عدم نگارش مطالب به زبان سهل و آسان نیز، از اشکالات کتاب‌های داستانی-تاریخی موجود است

پ) بی‌توجهی به حوصله‌ی خوانندگان، از دیگر اشکالات اساسی و واضح اکثر آثار موجود است. باید توجه داشت که دانش‌آموزان دوره‌های گوناگون تحصیلی، ظرفیت ذهنی مشخص و متفاوتی دارند. اصرار بر گفتن مفاهیم زیاد و مفصل، موجب فرار مخاطبان از خواندن کتاب و دلزدگی آن‌ها می‌شود. از این رو، باید به جای بیان مطالب ثقیل و پر حجم، به ذکر اجمالی مفاهیم



بنیادی و اصلی پرداخت.

ت) پیچیدگی نثر و عدم نگارش مطالب به زبان سهل و آسان نیز، از اشکالات کتاب‌های داستانی - تاریخی موجود است. لازم است نویسنده، با اطلاع از میزان آموخته‌ها و گنجینه‌ی لغات کودکان، به نگارش اثر بپردازد و اگر در لابه‌لای اثر به استفاده از واژه‌های سنگین و نام‌ها و اصطلاحات دشوار مجبور شد، در زیرنویس یا انتهای متن، توضیحات لازم را ارائه کند. ضروری است نویسندگان آثار مذکور، همواره به جذابیت و روانی آثار (همچون اعتبار علمی آن‌ها) بیندیشند.

ث) برخی از آثار مورد بحث، ترجمه‌ی داستان‌هایی هستند که نویسندگان خارجی براساس شرایط و اوضاع فرهنگی کودکان کشور خود نوشته‌اند. بسیاری از موضوعات و مفاهیم این آثار، برای کودک و نوجوان ایرانی قابل درک نیستند. توجه به این نکته ضروری است که می‌توان با ایجاد تغییراتی در متن و افزودن توضیحاتی در زیرنویس یا انتهای کتاب، استفاده از آثار ترجمه شده را برای دانش‌آموزان سنین پائین تر تسهیل کرد.

ج) استفاده از نام‌ها، اصطلاحات و سال‌های متعدد داخل متن نیز از جذابیت آثار داستانی - تاریخی و مطالعه‌ی سهل و آسان آن‌ها می‌کاهد. بنابراین شایسته است، تعداد نام‌ها، سال‌ها و اصطلاحات کاهش یابد و نام‌ها و اعلام مشکل کتاب اعراب گذاری شوند.

چ) نقیصه‌ی دیگر آثار داستانی - تاریخی، نداشتن ارتباط یا ارتباط ضعیف موضوعی این کتاب‌ها با آموخته‌های مدرسه‌ای خوانندگان است. چنین برمی‌آید که متولیان این کتاب‌ها، برای این نکته و حفظ این ارتباط اهمیتی قائل نیستند. ضروری است، نویسندگان آثار داستانی - تاریخی پیش از تدوین آثار خود، کتاب‌های درسی مقطع مورد نظر و حتی مقطع پیشین مخاطبان را مطالعه کنند. به منظور آگاهی از معلومات تاریخی

دانش‌آموزان، باید کتاب‌های تاریخ، فارسی، دینی و قرآن مخاطبان مورد توجه قرار گیرند و مرور شوند.

ح) توزیع ناهمگن موضوعی در آثار منتشر شده، از دیگر اشکالات مهم است. درباره‌ی برخی از مقاطع تاریخی ایران و نیز بعضی از شخصیت‌ها، آثار متعددی به چاپ رسیده که ممکن است باعث دلزدگی مخاطبان شود. و در سایر دوره‌های تاریخی ایران و همچنین زندگی برخی افراد مؤثر در تاریخ کشورمان، اثری منتشر نشده است و یا آثار موجود فاقد کیفیت مقتضی هستند. همچنین، بسیاری از آثار منتشر شده در حوزه تاریخ سیاسی قرار دارند و مقوله‌های تمدنی (مانند اختراعات) کم‌تر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

خ) مشکل دیگر این آثار را می‌توان عدم توجه یا کم توجهی به فضای تاریخی و اجتماعی داستان دانست. برای مثال، بعضی از



قصه‌های تاریخی موجود در مورد شخصیت‌ها، به گونه‌ای تدوین شده‌اند که خواننده در خلأ با فراز و نشیب‌های زندگی فرد مورد نظر آشنا می‌شود و بستر و زمینه اجتماعی زندگی او را لمس نمی‌کند. در حالی که توجه دادن خواننده به فضای تاریخی زندگی فرد، گذشته از جذاب کردن اثر، موجب تفهیم بهتر و بیش‌تر سیر زندگی، اعمال و افکار شخصیت می‌شود.

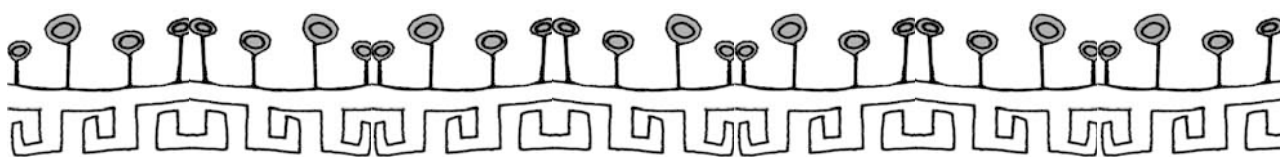
د) بسیاری از آثار منتشر شده داستانی - تاریخی، به مقوله‌ی گذر زمان و تغییر شرایط و امکانات زندگی انسان توجه کافی ندارند. بهتر است، نویسندگان ضمن بیان زندگی و اعمال شخصیت‌ها، نگاهی به زندگی اجتماعی، آداب و رسوم، و امکانات و وسایل زندگی مردم در دوره‌ی حیات شخصیت مورد بحث داشته باشند. در حال حاضر، بعضی از مؤلفان یا به این نکته کم توجه هستند و یا موضوع را به صورت علمی و دقیق طرح نمی‌کنند. برای مثال، نویسنده‌ای ضمن بیان معاش و خوراک یک شخصیت که پیش از حمله‌ی مغول می‌زیسته است، به علت عدم اشراف به تاریخ آن دوره، از علاقه‌ی فرد مورد نظر به گوجه‌فرنگی سخن گفته است؛ در حالی که این ماده‌ی غذایی، در دوره‌ی معاصر از غرب وارد ایران شده است. بدیهی است که ارائه‌ی جذاب و صحیح این قبیل مطالب، منوط به اطلاعات کافی نویسندگان از اوضاع اجتماعی و فرهنگی دوره‌ی زندگی شخصیت است.

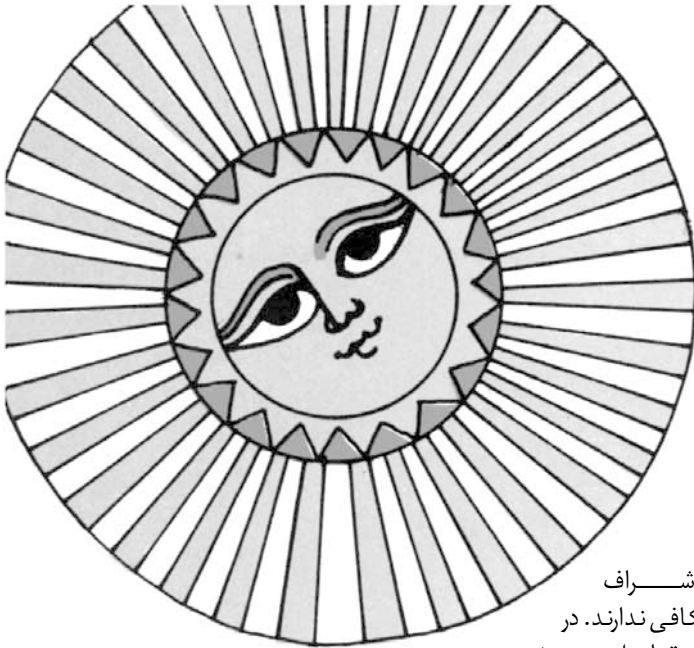
د) بسیاری از نویسندگان آثار مورد اشاره، علاوه بر موضوع تغییر، به مقوله‌های «ترتیب و توالی» و «علت‌یابی حوادث و رویدادهای تاریخی» نیز کم توجه هستند. نویسنده‌ی یک داستان تاریخی باید متوجه باشد که این دو موضوع هم از مباحث بنیانی تاریخ هستند و لازم است در جای خود مورد توجه قرار گیرند. بی‌اعتنایی یا کم توجهی به نقش و جایگاه زمان و نیز ترتیب تاریخی حوادث و وقایع،

در آثاری که به وسیله‌ی نویسندگان غیر تاریخی نوشته شده‌اند، زیاد دیده می‌شود. نویسندگان آثار داستانی - تاریخی نباید از یاد ببرند که زمان، محور تاریخ است و تنظیم بعضی آثار (مانند زندگی‌نامه‌ی شخصیت‌های سیاسی و علمی) مطابق سیر زمانی، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. در همین راستا، آوردن سال شمار حوادث مهم مطرح شده در ابتدای کتاب، مفید و ارزنده است.

ر) یکی از اشکالات دیگر آثار موجود، بهره نبردن کافی از ابزارهای ممکن، برای عینی ساختن مطالب تاریخی است. در حالی که نویسندگان این آثار می‌توانند، هنگام بیان برخی موضوعات انتزاعی تاریخ برای مخاطبان سنین پائین، از نقشه‌های تاریخی استفاده کنند. لحاظ کردن چند نقشه‌ی مرتبط در یک اثر داستانی - تاریخی، به عینی کردن فضای مکانی داستان و درک مطالب مطرح شده در آن کمک بسیار می‌کند. همچنین، ترسیم نمودار زمان نیز به تفهیم آسان حوادث زندگی اشخاص مدد می‌رساند. علاوه بر این، نمودارهای موضوعی، وسیله‌ی کارآمد انتقال پاره‌ای از مفاهیم دشوار تاریخی به مخاطبان نوجوان هستند. برای مثال، چنانچه اثر مورد نظر در مورد زندگی انسان‌های نخستین باشد، با آوردن نمودار موضوعی سه مرحله‌ی عمده‌ی تغییر زندگی بشر (کوچ‌نشینی، روستانشینی و شهرنشینی)، می‌توان زمینه‌ی تفهیم سهل و ماندگار بخشی از مندرجات اثر را عملی کرد.

ز) خارج شدن از دایره‌ی انصاف و کار علمی هم، از اشکالات برخی از آثار موجود است. در لابه‌لای بعضی آثار موجود، شاهد تزریق بیش از حد باورهای سیاسی و ارزشی هستیم. این امر موجب خستگی خواننده می‌شود. هنگام تدوین آثار داستانی - تاریخی باید به خاطر داشت که دانش‌آموزان از نصیحت زیاده از حد و پیام‌های مستقیم و مکرر، دل‌خوشی ندارند. باید در تبیین حوادث و موضوع‌های تاریخی، بیان معتدل و





اشرف

کافی ندارند. در

مقابل، بعضی

پدیدآورندگان، تحصیلکردگان رشته تاریخ هستند، اما از قلم جذاب و رسا برخوردار نیستند. همچنین به نظر می‌رسد که بعضی از نویسندگان، نه در داستان نویسی مسلط هستند و نه در تاریخ، و احتمالاً از روی تفنن یا اجبار وارد این عرصه شده‌اند. روال معمول آن است که بعضی از نویسندگان غیر تاریخی، با مراجعه به یک یا دو اثر تحقیقی، اطلاعاتی در مورد موضوع یا شخصیت مورد نظر کسب می‌کنند و سپس براساس دریافت‌های اندک و بعضاً ناقص خود، به نگارش و تدوین اثر می‌پردازند. نتیجه‌ی این تعجیل و غور کم در منابع تاریخی این است که محتوای بعضی کتاب‌های داستانی-تاریخی با محتوای کتاب‌های تاریخی در تعارض قرار می‌گیرند. انتخاب مشاور تاریخی برای مؤلفانی که تحصیلات تخصصی ندارند، یک ضرورت است. همچنین، ذکر منابع مورد استفاده در پایان اثر، نگرش مثبت مطالعه‌کنندگان را به صحت و اعتبار مطالب در پی دارد.

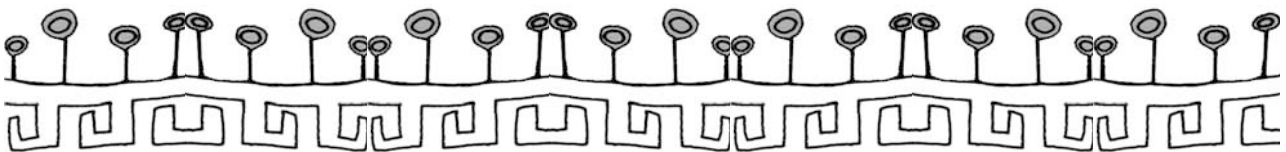
ض) ایجاد تعادل بین اعتبار علمی محتوا و حفظ جذابیت نوشتاری اثر، از اهمیت و حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. همان‌گونه که غرق شدن نویسنده در اطلاعات و داده‌های تاریخی یک آسیب است، زیاده‌روی در استفاده از نیروی تخیل

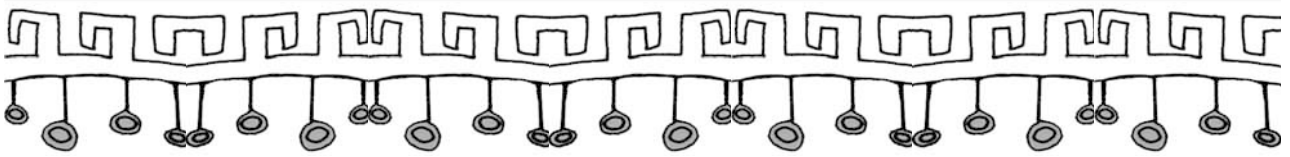
منصفانه داشت و از قضاوت مستقیم پرهیز کرد. (س) در تنظیم آثار داستانی-تاریخی باید مواظب بود که به بهانه‌ی تبیین موضوع اثر، به مسائل اساسی مانند هویت ملی و اسلامی خواننده خدشه وارد نشود. باید در عین رعایت جنبه‌ی علمی محتوا، خواننده را به سمت و سوی علاقه‌ی بیش‌تر به کشور و ارزش‌های دینی سوق داد. در بعضی آثار که به لحاظ موضوعی ارتباط نزدیک‌تری با مسائل سیاسی دارند، چنان سیاه‌نمایی از گذشته‌ی کشور ارائه می‌شود که در نهایت موجب بی‌زاری مخاطبان از میهن و بی‌علاقگی نسبت به سرنوشت کشور می‌شود.

کم توجهی به اعتبار علمی و تاریخی آثار هم از دیگر ضعف‌های آثار داستانی-تاریخی است

ش) از دیگر نکات مهمی که لازم است در آثار داستانی-تاریخی مدنظر قرار گیرند، عبارتند از: ارج نهادن به دانشمندان و خدمتگزاران کشور، تقویت حس تفاهم و نوع دوستی و احترام به دیگران، علاقه به حفظ میراث فرهنگی، توجه به مسائل تمدنی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و تقویت حس عبرت‌آموزی و آینده‌نگری. یکی از راهبردهای لازم برای سوق دادن نویسندگان و ناشران به این مقوله‌ها، اطلاع‌رسانی کافی پیرامون هدف‌های آموزش تاریخ در مدرسه‌هاست.

ص) کم توجهی به اعتبار علمی و تاریخی آثار هم از دیگر ضعف‌های آثار داستانی-تاریخی است. بدون تردید، تحصیلات و تجربیات نویسندگان و نقاشان داستان‌های تاریخی، در کیفیت این تولیدات فرهنگی اثر می‌گذارد. در این رابطه، با دو طیف روبه‌رو هستیم: برخی مؤلفان یا قصه‌نویسان، از توان ذهنی و قلمی قابل توجه برخوردارند، ولی نسبت به موضوع تاریخی داستان





برای جذب مخاطبان نوجوان و جوان، دقت در طراحی بهینه‌ی جلد و پنجره‌ی ورودی اثر است. در تنظیم جلد، شایسته است هم مسائل هنری و هم محتوای تاریخی مورد توجه طراح قرار گیرد. دستیابی به این هدف نیز، مستلزم درک کافی طراح و نقاش از مندرجات اثر است. بعد از نمای بیرونی کتاب‌های داستانی، باید به زیباسازی برگه‌های داخلی آثار عنایت داشت. اغلب ناشران و عرضه‌کنندگان آثار داستانی، به علاقه‌ها و خصوصیات مخاطبان توجه کافی ندارند و در مورد جنبه‌ی زیباشناختی، زیباسازی و جلوه‌های ظاهری تولیدات فرهنگی، تأمل و سرمایه‌ی لازم را صرف نمی‌کنند. چاپ بعضی از کتاب‌های داستانی - تاریخی روی کاغذهای نامرغوب و در اندازه‌های نامناسب و عدم تدارک منابع تصویری جذاب و کافی، از این امر حکایت می‌کند.

یکی از مشکلات تصویرسازی قصه‌های تاریخی آن است که برای بسیاری از موضوعات گذشته، عکس و تصویر واقعی در اختیار نیست. با توجه به جدید بودن صنعت عکاسی و نادر بودن نقاشی‌های تاریخی، معمولاً هنگام تصویرسازی کتاب‌های تاریخی، بین نویسندگان و نقاشان اختلاف نظر و دیدگاه وجود دارد. همان‌گونه که ذکر شد، یکی از راه‌های کم کردن این فاصله، تشویق نقاشان به مطالعه‌ی دقیق محتوا و آشنایی نسبی با موضوع و متن است. البته گفت‌وگوی نویسندگان (محقق)، با نقاش هم مفید و ارزنده است. اما درک موضوع، تنها با جلسات کوتاه دو نفری عملی نمی‌شود. در هر حال ناشران و نویسندگان آثار کودکان و نوجوانان، همیشه باید به خاطر داشته باشند که استفاده به جا و به موقع از تصویر و نقشه، کمک مهمی به جذاب کردن اثر و فهم مطالب تاریخی قصه می‌کند.

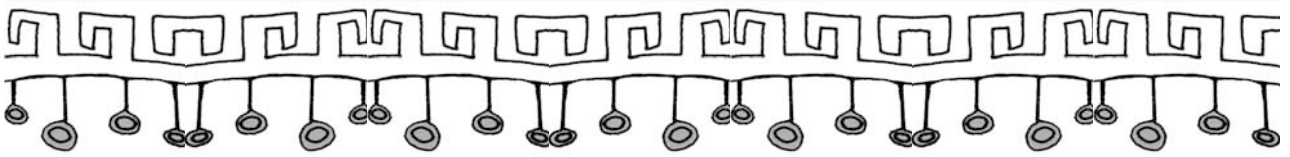
اما نکته‌ی مهم آن است که منابع بصری باید

هم عیب و نقص محسوب می‌شود. استفاده از قوه‌ی خیال برای بردن مخاطبان به فضای دور از دسترس گذشته اهمیت دارد، اما در عین حال، زیاده‌روی در این امر و حرکت به سمت امور غیر واقعی، موجب اختلال در ادراک تاریخی کودکان و نوجوانان می‌شود. هر چند استفاده از قالب و جذابیت‌های داستان برای فهم بهتر و بیش‌تر تاریخ بسیار ارزشمند است، لیکن باید متوجه بود که داده‌های تاریخی اثر، کم و محو نشوند. بهتر است استخوان‌بندی و محتوای اصلی داستان، بر مبنای اطلاعات تاریخی تنظیم و از تخیل و مهارت‌های ادبی، فقط برای ایجاد جذابیت و پر کردن فضاهای خالی بهره گرفته شود.

ط) نحوه‌ی شروع داستان هم در جلب نظر مثبت مخاطبان به مطالعه‌ی اثر، یا دوری آنان از خواندن کتاب، مؤثر است. ورودی بسیار ادبی و سنگین، یکی از اشکالات بارز آثار موجود است. گذشته از این، نثر ثابت و یکنواخت بسیاری از آثار هم، با اقتضائات و ضرورت‌های آموزشی سازگار نیست. بهتر است به جای بیان صرفاً روایی و مفصل داستان، با پیش‌بینی فعالیت‌های محدود و سؤالات هدفدار و آسان، هم مانع خستگی مفرط مخاطبان شد و هم کارایی آموزشی اثر و ارتباط آن با کتاب‌های درسی را مورد توجه قرار داد.

اغلب ناشران و عرضه‌کنندگان آثار داستانی، به علاقه‌ها و خصوصیات مخاطبان توجه کافی ندارند و در مورد جنبه‌ی زیباشناختی، زیباسازی و جلوه‌های ظاهری تولیدات فرهنگی، تأمل و سرمایه‌ی لازم را صرف نمی‌کنند

ظ) یکی از ضعف‌های بسیار اساسی و عیان آثار موجود، کم‌توجهی به طراحی جلد و بعد تصویری کتاب است. از یاد نبریم که اولین نکته



■ معرفی یک نمونه‌ی خارجی اطلاعات کلی اثر

کتاب مورد نظر با عنوان «کریستف کلمب»، در ۱۹۷۰ میلادی در آمریکا چاپ شده است. این اثر یکی از کتاب‌های مجموعه‌ی جهانگردان و کاشفان است که احتمالاً برای دانش آموزان سال‌های دوم یا سوم ابتدایی تدوین شده‌اند. مفاهیم و ساختار کتاب، مطابق برنامه‌ی درسی علم (مطالعات) اجتماعی آمریکا که به تصویب شورای تحقیقات آموزشی این کشور رسیده است، تنظیم شده است. طراحی و آماده‌سازی کتاب به وسیله‌ی هشت نفر از اعضای کمیته‌ی علم اجتماعی شورای تحقیقات آموزشی آمریکا صورت گرفته است، نام این افراد که شامل یک مدیر و هماهنگ‌کننده، سه دستیار، سه طراح و نقاش و یک مدیر اجرایی هستند، در صفحه‌ی شناسنامه‌ی کتاب درج شده است. این کمیته زیر نظر ستاد مشاوره و راهنمایی شورای تحقیقات آموزشی برنامه‌ی علم اجتماعی آمریکا به کار پرداخته است که ۱۹ نفر عضو دارد. اعضای ستاد سه گروه کلی را تشکیل می‌دهند: گروه مدیریت که شامل رئیس و مدیر اجرایی، دو دستیار رئیس، مدیر برنامه‌ی علم اجتماعی و مشاور علم سیاسی است؛ گروه مشاوران که افرادی متخصص در جغرافیا، اقتصاد، آموزش ضمن خدمت، فلسفه، تاریخ جهان، تاریخ آمریکا و روان‌شناسی در آن عضویت دارند؛ و کمیته‌ی مشورتی مدیران مدرسه‌ها

از لحاظ کیفیت و اندازه، با علاقه‌های دانش آموزان این مقطع متناسب باشند. و مخصوصاً رنگ آمیزی‌ها باید حساب شده و جذاب باشند. دیگر آن که نباید به خاطر مسائل ظاهری و زیباشناختی، مسائل محتوایی و پیام‌های تاریخی تصویرها کمرنگ شوند. توجه به ارتباط منابع تصویری با متن هم از اهمیت خاصی برخوردار است. این مهم تنها با قرار دادن تصویرها یا عکس‌های مرتبط با متن در کنار هم عملی نمی‌شود، بلکه لازم است در ضمن تبیین قصه، به گونه‌ای خواننده را به منابع تصویری متن ارجاع داد. پیش‌بینی چند فعالیت کوتاه و آسان در لابه‌لای اثر، یکی از راه‌های برقراری ارتباط متن با تصویر است. همچنین ضرورت دارد در صفحه‌آرایی، دقت و سلیقه‌ی کافی لحاظ شود.

ع) اطلاع‌رسانی ضعیف ناشران به مخاطبان و معلمان هم از دیگر مشکلات است. بدیهی است که در این زمینه ناشران نمی‌توانند به تنهایی اقدام کنند. **شایسته است وزارت آموزش و پرورش، تدابیری را برای بررسی آثار منتشر شده‌ی قبلی و فعلی و معرفی آن‌ها به دانش آموزان و معلمان در نظر بگیرد. البته در حال حاضر، به وسیله‌ی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، اقداماتی در مورد معرفی آثار موجود در بازار انجام می‌شود،** لیکن در مورد آثار منتشر شده‌ی قبلی، موضوع مسکوت مانده است. تردیدی نیست که اگر در این خصوص به درستی و دقیق عمل شود، تشویق ناشران به ارتباط بیشتر با مدرسه‌ها و آموزش و پرورش را در پی خواهد داشت.



که هفت عضو دارد. اسامی ۱۸ نفر عضو ستاد هم در صفحه‌ی آخر کتاب ذکر شده است.

این اثر در قطع خشتی و اندازه‌ی ۲۱ × ۲۱ و روی کاغذ گلاسه‌ی نسبتاً مرغوب منتشر شده است. حجم کتاب ۴۱ صفحه (۱۷۲ سطر) است. حدود ۸۰ درصد حجم صفحات کتاب به دو نقشه (که علاوه بر توضیحات کلی، به ترسیم مسیر سفر دریایی کریستف کلمب هم پرداخته است) و ۳۷ نقاشی بزرگ و جذاب، اختصاص داده شده است. تصویرها و نقشه‌های کتاب با مطالب متن کاملاً ارتباط دارند و علاوه بر تکمیل مطالب نوشتاری کتاب، مطالعه‌کننده را به خواندن اثر تشویق می‌کنند. جلد اثر هم از جنس کاغذ مقوایی است و روی آن تصویر جذاب شخصیت اصلی کتاب لحاظ شده است.

در صفحه‌ی پیش از متن اصلی، با عنوان «یادداشت برای دختران و پسران» آمده است: این کتاب به شما کمک می‌کند، مطالبی را بفهمید و درک کنید. همچنین به شما کمک می‌کند، آنچه را که می‌دانید، به کار ببرید. درباره‌ی پاسخ سؤال‌هایی که می‌خوانید، فکر کنید. سؤال‌ها با علامت × (یعنی سؤال‌های آسان) و علامت ×× (یعنی سؤال‌های مشکل که به تفکر بیش‌تر احتیاج دارند) مشخص شده‌اند. در کل کتاب، شش سؤال آسان و یک سؤال مشکل آمده است. بعد از متن کتاب که با نثری روان و جملاتی کوتاه تنظیم شده است، ۴۴ کلمه‌ی کلیدی متن (مانند جزیره، سرخپوست، کره‌ی جغرافیا، موج، اقیانوس، ملکه‌ها، شاهان و...)، با ذکر صفحه‌ی مربوطه آورده شده‌اند. هدف از این کار، کمک به خواندن کتاب است.

در این جا برای آشنایی بیش‌تر با مقولات مورد اشاره در آثار خارجی (مانند نثر، جملات، حجم مطالب، فعالیت‌ها و...) به ارائه‌ی متن داستان می‌پردازیم. البته تبیین بعد تصویری کتاب با

ملاحظه‌ی منابع تصویری کتاب عملی می‌شود که ارائه‌ی آن در این نشریه مشکل است. با این حال، چند تصویر به صورت سیاه و سفید ارائه خواهد شد.

■ متن کتاب

این کریستف کلمب است. او در ایتالیا زندگی می‌کرد. کریستف کلمب نزدیک دریا ایستاد. دو ملوان را دید و شنید که صحبت می‌کردند. آن‌ها داشتند درباره‌ی سرزمین‌های دوردست حرف می‌زدند. کلمب با ملوانان صحبت کرد. از آن‌ها پرسید: «آیا شما در هندوستان بوده‌اید؟» یکی از ملوان‌ها گفت: «بله». ملوان دیگر گفت: «ما چیزهای زیادی از هندوستان داریم. طلا بهترین آن‌هاست. با طلا می‌توانیم چیزهایی بخریم.»

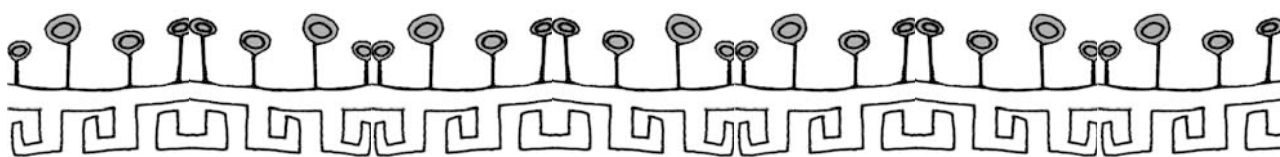
چرا ملوانان طلا می‌خواستند؟

کلمب گفت: «من طلا نمی‌خواهم، می‌خواهم راه جدیدی به هندوستان پیدا کنم. برای رسیدن به هندوستان، با کشتی به سمت غرب خواهیم رفت.»

دو ملوان خندیدند. خندیدند و خندیدند. یکی از آن‌ها گفت: «برای رسیدن به هندوستان باید به شرق بروی. در این صورت، به هندوستان خواهی رسید. اگر به غرب بروی، فقط اقیانوس را خواهی یافت. اقیانوس اطلس بسیار بزرگ است. با رفتن به غرب، گم خواهی شد.»

چرا دریانوردان به کلمب خندیدند؟

ملوان دیگر گفت: «سطح دنیا صاف است؛ شبیه یک میز. اقیانوس اطلس هم سطح صافی دارد. تو از اقیانوس سقوط خواهی کرد و از روی کره‌ی زمین به پایین خواهی افتاد.» کلمب گفت: «نه، کره‌ی زمین مسطح نیست.



شبيه ميز
نيست. زمين
شبيه يك
توپ است؛
شبيه پرتقال»

آيا كلمب درست مي گفت؟

من مي توانم
دور دنيا دريانوردي
كنم. از اقيانوس
اطلس سقوط

نخواهم كرد. براي

رسيدن به هندوستان، با كشتي به سمت غرب حرکت
خواهم كرد و از همين راه هم برخواهم گشت.

كلمب پول بسيار كمی داشت. نمی توانست
چند كشتي بخرد. پادشاهان پول داشتند و
می توانستند چند كشتي بخردند. كلمب نزد پادشاهان
زيادی رفت. نزد ملكه های زيادی هم رفت. آن ها
به كلمب خنديدند و گفتند: دنيا صاف است. آن ها
برای كلمب كشتي نخريدند.

سپس كلمب به اسپانيا رفت. نقشه اش را به
پادشاه و ملكه ی اسپانيا گفت. ملكه ی اسپانيا
مهربان بود. ملكه ايزابلا به حرف های كلمب گوش
داد و گفت: «من برای شما چند كشتي خواهم
خرید.»

ملكه سه كشتي كوچك خريد. كلمب توانست
به سمت غرب، برای رسيدن به هندوستان، راهی
سفر دريايي شود. مردم زيادی شاهد رفتن كلمب
بودند. آن ها سه كشتي كوچك را ديدند كه به سمت
غرب حرکت می كردند. «نينتا»، «پينتا» و
«سانتاماريا» دورتر و دورتر می شدند. كشتي ها
بر اقيانوس اطلس حرکت می كردند. مردم كلمب را
ديدند كه به سمت غرب دريانوردي می كرد. با خود
گفتند: «او ديگر برنخواهد گشت. كلمب از زمين

سقوط خواهد كرد.»

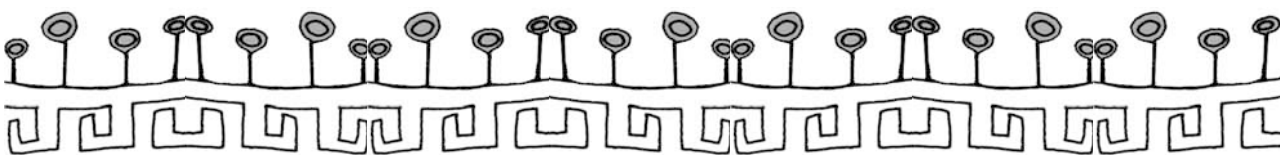
كلمب به مردمی كه پشت سر او در ساحل
بودند، نگاه كرد ديد كه مردم كوچك تر می شوند.
می ديد كه خانه های كنار ساحل هم كوچك تر
می شوند. او در اطراف خود اقيانوس بزرگ اطلس
را ديد.

سه كشتي كوچك روی امواج بزرگ حرکت
می كردند. موج های بزرگ ملايم بالا و پائين
می رفتند. نينا، پينتا و سانتاماريا هم بالا و پائين
می رفتند. كلمب داشت به سمت غرب حرکت
می كرد تا هندوستان را پيدا كند. روزهای متمادی،
سه كشتي در دريا حرکت كردند و هفته ها پشت هم
دريانوردي كردند.

موج ها بزرگ و بزرگ تر شدند. كشتي ها حرکت
به سمت غرب را ادامه دادند. دريانوردان تنها امواج
بزرگ را می ديدند. آن ها ترسيده بودند. آنان به
كلمب گفتند: «ما می خواهيم به خانه برويم. به
اسپانيا برگرد.»

چرا دريانوردان ترسيده بودند؟

كلمب ديد كه افرادش ترسيده اند. او
می دانست آن ها می خواهند به اسپانيا برگردند.



می دانست که آن‌ها می‌توانند او را به درون اقیانوس پرتاب کنند. می‌توانستند او را تنها بگذارند و به اسپانیا بازگردند. اما کلمب نترسیده بود. او گفت: «به حرکت ادامه دهید. نینا، پینتا و سانتاماریا به حرکت ادامه دهید. به سمت هندوستان حرکت کنید.»

روزهای بیش‌تری سپری شدند. امواج بزرگ‌تری به کشتی‌ها می‌خوردند و ملوانان بیش‌تر ترسیدند. آن‌ها فکر می‌کردند زمین صاف است. می‌ترسیدند از زمین سقوط کنند. ملوان‌ها می‌گفتند: «یا خشکی پیدا کن و یا به اسپانیا برگرد.»

اما کلمب بازنگشت.

یک روز، مردی چند پرنده دید. پرنده‌ها دور از خشکی پرواز نمی‌کنند. کلمب به همراهانش گفت: «پرنده‌ها نشانه‌ی این هستند که خشکی نزدیک است. ما به زودی یک جزیره خواهیم دید.»

آن شب کلمب یک روشنایی دید. روشنایی مدام خاموش و روشن می‌شد. آیا روشنایی یک آتش بود؟ یک ملوان صدا زد: «خشکی!»

همه‌ی مردها فریاد زدند: «خشکی، خشکی!» روز روشن آمد. آن‌جا خشکی بود. مردان یک جزیره دیدند. کلمب و مردانش به ساحل رفتند. کلمب در ساحل مردمی را دید. آن‌ها موهای سیاه و پوست سرخ داشتند. بینی آن‌ها حلقه‌های طلا داشت. کلمب و مردانش پوست سفید داشتند. آن‌ها هرگز انسان سرخ پوست ندیده بودند. کلمب گفت: «این‌جا باید هندوستان باشد! این مردم سرخ‌پوست باید از اهالی هندوستان باشند.» ملوانان، حلقه‌های طلای سرخ‌پوست‌ها را دیدند. دریانوردان گفتند: «ما طلا می‌خواهیم. طلا کجاست؟»

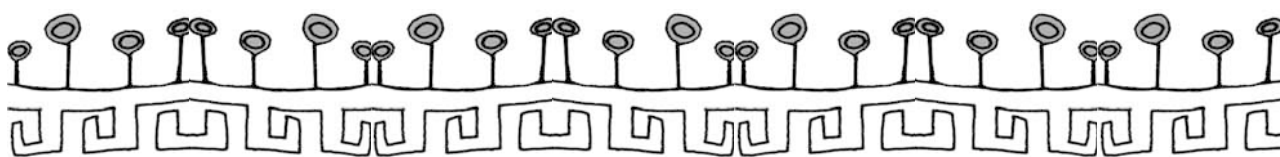
سرخ‌پوست‌ها به سمت غرب اشاره کردند. دریانوردان گفتند: «برای پیدا کردن طلا به سمت غرب خواهیم رفت.»

سه کشتی به سمت غرب حرکت کردند. کلمب می‌خواست هندوستان را پیدا کند و ملوان‌ها می‌خواستند طلا پیدا کنند. اما آن‌ها چه چیز پیدا کردند؟ آن‌جا بیش از پنج جزیره بود. در این پنج جزیره، مردم بیش‌تری زندگی می‌کردند. آن مردم همگی سرخ‌پوست بودند. پس از آن، کلمب بزرگ‌ترین کشتی خود را از دست داد. سانتاماریا در ساحل به گل نشسته بود. مردها نتوانستند آن را از گل بیرون بیاورند. کلمب گفت: «ما به اسپانیا برمی‌گردیم. من کشتی جدیدی می‌گیرم. دوباره به سمت غرب دریانوردی می‌کنم. زمین صاف نیست. زمین شبیه یک توپ یا پرتقال است و هندوستان باید خیلی نزدیک باشد. برخی از دریانوردان در سرزمین جدید ماندند. آن‌ها گفتند: «ما این‌جا زندگی خواهیم کرد.»

چرا بعضی از دریانوردان در سرزمین جدید ماندند؟

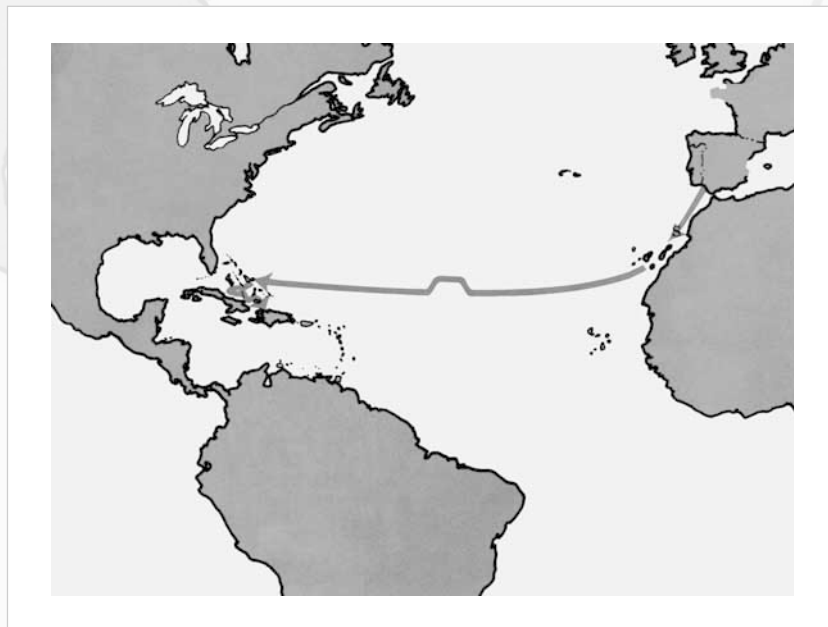
نینا و پینتا به اسپانیا بازگشتند. آن‌ها هفته‌ها و هفته‌ها دریانوردی کردند. آن‌ها از میان اقیانوس اطلس گذشتند. امواج بزرگ بالا و پائین می‌رفتند دو کشتی کوچک هم بالا و پائین می‌رفتند. در اسپانیا، مردم به حرف‌های کلمب گوش می‌کردند. آن‌ها به حرف‌های دریانوردان هم گوش می‌کردند. مردم می‌خواستند درباره‌ی آن جزایر بشنوند. می‌خواستند مطالبی درباره‌ی سرخ‌پوستان بشنوند. می‌خواستند درباره‌ی حلقه‌های طلایی بشنوند. کلمب گفت: «من نزدیک هندوستان بودم.»

یکی از ملوانان گفت: «من در هندوستان بوده‌ام. در هندوستان مردم سرخ‌پوست نیستند.» ملوان دیگر گفت: «من هم هندوستان بوده‌ام. آن‌جا سرخ‌پوست وجود ندارد. شما باید سرزمین جدیدی پیدا کرده باشید.» دو ملوان درست می‌گفتند. کلمب سرزمین جدیدی کشف کرده بود. او در سرزمین جدید مردمی



یافته بود. او فهمیده بود که دنیا مسطح و صاف نیست. بله، کریستف کلمب سرزمین جدیدی پیدا کرده بود، اما نمی دانست که آن جا سرزمین جدیدی است. او نمی دانست که نزدیک آمریکای شمالی بوده است، اما می دانست که زمین کروی و گرد است.

×× آمریکای شمالی را روی کره‌ی جغرافیایی پیدا کنید.
× جایی را که کلمب پیاده شد، پیدا کنید.



زیرنویس

۱. برخی از مطالب این مقاله، مدتی پیش در شماره‌ی یک مجموعه مقالات مرتبط با آموزش تاریخ، در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی منتشر شد. با این حال به گمان نگارنده، مطالعه‌ی این مطالب برای خوانندگان فصلنامه‌ی سامان بخشی کتاب‌های آموزشی مفید است. از این رو با تغییرات و افزوده‌هایی در اختیار مجله‌ی رشد جوانه قرار گرفت.

